

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Children

کودکان

بهرام رحمانی  
۱۳ جون ۲۰۱۶

## دنیا را به کودکان بدهیم!

دنیا را به کودکان بدهیم  
دنیا را به کودکان بدهیم،  
حداقل برای یک روز  
بدهیم مانند بالونی رنگارنگ  
بازی کنند، بازی کنند،  
آواز سر دهند در میان ستارگان  
دنیا را به کودکان بدهیم،  
بدهیم مانند یک سیب بزرگ  
مانند یک تافتون گرم.  
چیزی نیست یک روز،  
دنیا را به کودکان بدهیم  
حداقل برای یک روز  
تا دنیا، دوستی را درک کند.  
کودکان،  
دنیا را از دست ما خواهند گرفت  
و درختان ابدی خواهند کاشت!  
(ناظم حکمت، بیست و یکم مه ۱۹۶۲، مسکو. برگردان از ترکی به فارسی: بهرام رحمانی)



دوازدهم جون برابر با بیست و سوم خرداد[جوزا]، «روز جهانی مقابله با کار کودکان» است. روزی که دربارهٔ کودکان رنج و کار بحث‌ها، سمینارها و برنامه‌های مختلفی اجرا می‌شود.

بنا بر گزارش سازمان جهانی کار، ۲۱۵ میلیون کودک کار در جهان وجود دارد که، نیمی از آنان در حرفه‌های پر خطر مشغول به‌کار هستند. گفته می‌شود از شمار کودکان کار، ۶۱ درصد در آسیا، ۳۲ درصد در افریقا و ۷ درصد در امریکای لاتین زندگی می‌کنند. از آنجا که بسیاری از کشورهای در برگیرندهٔ کودکان کار آماری قابل اعتمادی از شمار کودکانی که به کار حرفه‌ئی و تمام وقت اشتغال دارند ارائه نمی‌دهند.

با این وجود، میلیونها تن از کودکان کار در مراکز کارگری به‌ثبت نمی‌رسند و به‌شکل «غیرقانونی» و نیروی کار «سیاه» به‌کار گرفته می‌شوند. در نتیجه شمار واقعی کودکان کار، بسیار بیش‌تر از ارقامی است که در آمارهای کشوری و بین‌المللی می‌خوانیم. علاوه بر این، در نتیجه جنگ‌های ویرانگر کشوری و فراقشوری نیز در چهار گوشه جهان، به‌ویژه در کشورهای پیرامونی و خاورمیانه، ده‌ها هزار کودک سرباز شرکت دارند و یا ده‌ها میلیون کودک آواره و بی‌سرپناه در کشور خود و یا وادار به‌مهاجرت در کشورهای دیگر شده‌اند.

**در واقع پدیده کودکان کار خیابانی یکی از دردهای غم‌انگیز تاریخ بشری و مشکلات آسیب‌زای اجتماعی است که از دیرباز در سراسر جهان وجود داشته و در سال‌های اخیر به‌دلایل گوناگون، به‌ویژه عملکرد سیستم سرمایه‌داری جهانی بی‌عاطفه، بی‌رحم، ستمگر، خشونت‌طلب و استثمارگر و دولت‌های حامی سرمایه، در تمامی کشورها جهان و ایران افزایش یافته است.**

اصولاً عوامل مختلفی در کار کودکان دخیل است اما اساساً کودکان کار محصول تقسیم کار سیستم سرمایه‌داری است. عوامل اقتصادی همچون فرهنگی، اجتماعی، فقر، بی‌کاری، بی‌عدالتی، شکاف و فاصله طبقاتی زیاد در جامعه و ... به‌خصوص در جوامعی مانند ایران که خود حاکمیت همواره حقوق کودکان را نقض می‌کند و حتی فعالان و حامیان کودکان کار و خیابانی و سازمان‌های حمایت از کودکان را به‌زندان می‌افکند، حمایت جدی از کودکان کار و درد و رنج صورت نمی‌گیرد.

کودکان کار، هرگز وقت و زمانی برای تفریح و بازی و شادی و فراغت کودکانه خود ندارند. چرا که آن‌ها از تحصیل و رشد طبیعی کودکی باز می‌مانند و برای کمک به‌خانواده‌های خود، ناچاراً وارد بازار کار بی‌رحم سرمایه‌داری می‌شوند. به‌عبارت دیگر، آن‌ها نیروی کار ارزان و خاموش‌اند. برخی از کودکان به دلایل مختلف، از خانه می‌گریزند و بلافاصله به‌دام باندهای قاچاق، تن‌فروشی، سرقت و ... گرفتار می‌شوند.

کودکان کار، در محیط کار نیز مورد سوءاستفاده‌های جنسی واقع می‌شوند؛ کارهای سخت و زیان‌آور به‌سلامت روانی و جسمی آن‌ها صدمات جدی می‌زند به‌طوری که بسیاری از این کودکان در آینده، دچار مشکلات عدیده‌ای می‌گردند.

\*\*\*

کتاب «من کسی نیستم جز صدائی ناچیز»، مجموعهٔ بیست شعر برگزیده از کودکان سراسر جهان است که در مسابقهٔ هم یاری کودکان به یکدیگر در سال ۱۹۸۰ میلادی شرکت داشته‌اند.

در این مسابقه، حدود یک میلیون کودک زیر ۱۴ سال از ۵۷ کشور جهان از جمله ایران، شرکت کردند. جایزهٔ اول مسابقه به اودنیا.ای.بتناگ، دختر ۱۳ ساله‌ای از فیلیپین تعلق گرفت که با شعر زیبای «من کسی نیستم جز صدائی ناچیز» در مسابقه شرکت کرده بود:

**من کسی نیستم جز صدائی ناچیز/ با رویائی کوچک/ و عطر گل/ در هوائی فرح بخش/ من کسی نیستم جز صدائی ناچیز/ با رویائی کوچک/ که به‌آفتاب لب‌بخند می‌زنم/ و آزادانه می‌رقصم و آواز می‌خوانم...**

خانم زرین تاج پناهی‌نیک، به‌زیبائی شعرهای این کودکان را ترجمه کرده و توسط نشر دنیای نو به‌چاپ رسیده است. همه شعرهای این کتاب، زیبا و پرمعنا هستند.

تقدیم به‌شما از طرف آننا سولدی با ترجمه زرین‌تاج پناهی‌نیک:

من در نانوائی، قلبی دیدم از جنس نان/ قلبی بزرگ، گرم و خوشبو/ و فکر کردم: «اگر من قلبی از جنس نان داشتم چندین کودک می‌توانست آن را بخورد/ یک لقمه برای تو، دوست من/ برای تو که گرسنه‌ای/ یک لقمه از این نان قلبی برای دوست/ و برای تو، و برای تو، و برای تو!»/ به‌کودکی که گرسنه است و می‌ترسد/ کافی نیست که بگوئی «دوست دارم»/ وقتی کودکی را گریان می‌بینی/ کافی نیست که بگوئی «طفلك بیچاره»/ اگر قلب من از جنس نان بود/ چندین کودک می‌توانست آن را بخورد/ و تو، ای فرمانده/ چه چیز مانع از آن می‌شود که بمب‌هایت را به‌شکل نان نسازی؟/ آن‌گاه در پایان جنگ‌ها، هر سربازی/ می‌توانست خوشحال به‌خانه باز گردد/ با سبزی از بمب‌های برشته و خوشبو/ اما این فقط یک رؤیاست/ و دوست گرسنه من هنوز هم می‌گرید/ آه اگر قلب من از جنس نان بود!

\*\*\*

گدائی، ولگردی، قاچاق، آدامس‌فروشی، گل‌فروشی، دست‌فروشی، فال‌فروشی، واکس‌زنی، تن‌فروشی، لیستی بلند از فعالیت‌های تحصیل‌شده به‌این کودکان کم سن و سال است. هزاران کودکی که شهروندان با احساس یا بی‌احساس هر روز از کنار آنان می‌گذرند و...

بخش دیگری از کودکان کار، با مزدی ناچیز و تحت شرایط بسیار و با شرایط بد کار در کارگاه‌هایی همچون تولید کفش ورزشی، قالی‌بافی، کبریت‌سازی، شیشه‌گری، ساخت مواد آتش‌بازی، تولید سیگار، تولید مواد سمی و کیمیائی و... کار می‌کنند.

یک پژوهش انجام‌شده در ایران در مورد پیامدهای زیان‌بار پدیده کودکان خیابانی، نشان می‌دهد که این کودکان در تمام جنبه‌های اساسی رشد (رشد جسمی حرکتی عاطفی روانی اجتماعی و ذهنی) دارای مشکلاتی هستند. از نظر رشد جسمی حرکتی بین ۶۰ تا ۸۴ درصد کودکان خیابانی با مشکلاتی مانند کم‌خونی کاهش قد و وزن، بیماری‌های مربوط به‌دهان، چشم، قلب گوارشی پوست و سوء‌تغذیه روبه‌رو هستند. از نظر رشد ذهنی بین ۱۷ تا ۵۶ درصد آنان دارای مشکلاتی مانند بی‌سوادی مشکلات گفتاری کمبود توجه و تمرکز مشکلات یادگیری و کمبود شناخت محیط پیرامون خود هستند. از نظر رشد عاطفی هیجانی بین ۴۰ تا ۸۹ درصد آنان از مشکلاتی مانند احساس کم‌ارزشی بی‌قراری و ناآرامی انتقام‌جویی بدبینی افسردگی ترس و ناامنی بحران هویت و اضطراب رنج می‌برند. از نظر رشد اجتماعی بین ۳۷ تا ۸۰ درصد آنان مشکلاتی مانند پرخاشگری خشونت‌نا سازگاری سرفقت سوءاستفاده جنسی تخریب تمایل به‌بزه‌کاری اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر و مشکل در برقراری ارتباط مناسب با دیگران را دارا هستند.

اخبار نگران‌کننده‌ای که درباره کودکان در ایران منتشر می‌شود، تنها خبرهای مربوط به‌کودکان کار نیست. کودکان معتاد، آن‌ها که مجبور به‌ازدواج زود هنگام و بارداری می‌شوند، آن‌ها که تن خود را می‌فروشند یا هر روز از بزرگ‌ترهای خانه و مدرسه کتک می‌خورند، آن‌ها که قربانی خانواده‌های از هم پاشیده و سیستم آموزشی معیوبند، آن‌ها که خودکشی می‌کنند یا گوشه بیمارستان‌ها به‌خاطر خشونت افسارگسیخته و تجاوز جان می‌دهند، همه کودکان کار نیستند؛ اما کودکان کار عموماً همه این مسائل را با هم دارند.

حکومت اسلامی ایران، به‌کنوانسیون حقوق کودک پیوسته، اما قوانین اش با حقوق اساسی کودکان خوانائی ندارد. حق کودک برای کودکی‌کردن، هر روز با فقر، خشونت ساختاری و سیستم آموزشی با ایدئولوژی مذهبی تبعیض‌آمیز و راسیستی نقض می‌شود.

بخش اعظم نیازهای کودک ایرانی به‌غذائی برای خوردن و آبی برای نوشیدن محدود است که زمینه بی‌توجهی به‌نیازهای عاطفی و روانی کودک را فراهم می‌آورد.

بنابراین تنها کودکان کار و دشواری جامعه ما نیست، بلکه مسائل و مشکلات دیگری از جمله اعتیاد، ازدواج، حجاب اجباری و ... را هم باید مورد توجه جدی قرار داد.

**کودکان کار یکی از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه ایران هستند. بسیاری از این کودکان به‌بیماری خطرناکی همچون ایدز مبتلا می‌شوند که یک سوم آن‌ها ۱۰ تا ۱۴ سال دارند و دو سوم آن‌ها ۱۵ تا ۱۸ ساله هستند.**

بیش از دو دهه از پیوستن ایران به‌کنوانسیون جهانی حقوق کودک می‌گذرد. در طول ۲۰ سال گذشته اما شرایط زندگی کودکان در ایران، به‌خصوص آن دسته از کودکان که گرفتار فقر و مشکلات حاشیه‌ای هستند، تغییری نکرده است. حتی ازدواج کودکان در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و با اتکا به‌قوانین کودک ستیزی اسلامی و سنت‌های محمد پیامبر مسلمانان، معضلی جدی و مطرح در سیستم اجتماعی و حقوقی ایران است و تلاش‌های فعالان حقوق کودک نیز اگر چه منجر به‌کاهش آن شده، اما همچنان مسأله‌ای نگران‌کننده به‌شمار می‌رود.

**بیش از ۱۰ سال است طرحی با عنوان «طرح ملی حجاب مدارس» برای تشویق دختران هفت تا ۱۲ ساله ایرانی به‌حجاب اجرا می‌شود. مجری این طرح می‌گوید تاکنون چند هزار دختر را چادری کرده است.**

پژوهش، نایب رئیس انجمن حمایت از حقوق کودکان در ادامه به‌مسأله ازدواج زودهنگام کودکان دختر اشاره کرده و گفته است: «تا کنون ازدواج کودکان در سنین پائین را جزء کار کودک محسوب نمی‌کردیم، اما کودکی که مجبور می‌شود در ۱۰ سالگی مسؤولیت یک خانه و زندگی را برعهده گیرد هم مشمول کار اجباری شده است».

علاوه بر تمامی این مشکلات، مسائل و آسیب‌های کارگاه‌های کمتر از ۱۰ نفر که مشمول قانون کار نمی‌شوند نیز یکی از معضلات است؛ زیرا بسیاری از کودکان کار در این کارگاه‌ها مشغول کار هستند.

روزنامه شهروند چاپ تهران، به‌مناسبت روز جهانی کار کودک امسال در تیتر یک خود با عنوان «فربانیان کوچک فقر»، نوشته است: «آمار کودکان کار در ایران در حال افزایش است». به‌گزارش این روزنامه «دو میلیون کودک در ایران کارگری می‌کنند» و «۳۰ درصد کودکان کار را افرادی تشکیل می‌دهند که به‌مدرسه نمی‌روند».

ثریا عزیز پناه، عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان و فعال کودک به‌شهروند گفته است: «شرایط سخت اقتصادی، وضعیتی که با تورم و سقوط قیمت نفت ایجاد شده، منجر شده تا دهک‌های پائین جامعه، کودکان‌شان را از سیستم آموزشی خارج کنند و آن‌ها را به‌کارگاه‌ها و خیابان‌ها بفرستند، این تقصیر خانواده‌ها نیست».

روزنامه ابتکار نیز گزارشی با تیتر «کودکانی بدون رنگ کودکی» نوشته است: «صبح تا شب در سطح شهر کودکانی می‌بینیم که تمامی ماده‌های جهانی و داخلی حقوق کودک در موردشان نادیده گرفته شده است» و حتی «کودکانی هم وجود دارند که در مشاغل سخت‌تر از این به‌کار گرفته می‌شوند. کودکانی که به‌دور از چشم هر جنبنده‌ای در کوره‌های آجرپزی، کارگاه‌های تولیدی و ... نه تنها تن نحیف خود را به‌کاری سخت می‌سپارند بلکه از کودکی خود باز می‌مانند».

بردگی، کار اجباری، زباله‌گردی، کارگری جنسی، فعالیت در گروه‌های مسلح و قاچاق مواد مخدر را جزو زشت‌ترین و غیرانسانی‌ترین اشکال کار کودک است. سرمایه‌داران کودکان را به‌بردگی می‌کشند؛ از آن‌ها برای نفع مادی و اقتصادی، بهره‌کشی می‌کنند؛ کودکان را به‌فروش می‌رسانند، قاچاق می‌کنند، اجاره داده می‌شوند، ارگان‌های بدن‌شان را

می‌فروشند؛ در حمل مواد مخدر مورد استفاده قرار می‌گیرند. حتی برای نمونه حکومت اسلامی ایران، کودکان «بزمکار» را در سنین جوانی اعدام می‌کند؛ کودکانی که قربانی روابط و مناسبات حاکم بر جامعه هستند!

دیگر قوانین غیرانسانی حکومت اسلامی ایران، مثل استاد شاگردی، گسترش اقتصاد غیررسمی، عدم آزادی برای ایجاد تشکل‌های کودکان کار، تشکل‌های مستقل کارگری و برخوردهای غیرانسانی با کارگران مانند شلاق‌زدن، جریمه‌کردن و عدم پرداخت دستمزدها ناچیز کارگران به‌موقع و... است.

چپاول و دزدی ثروت‌های عمومی و همگانی در حکومت اسلامی چهره زشت و کریه تازه‌ای پیدا کرده است. باندهای اطراف بیت خامنه‌ای و تمام دستگاه‌های حکومتی از بالاترین رده‌ها تا پائین‌ترین رده‌های آن، چنان در فساد اقتصادی فرورفته‌اند که گاهی با افشاگری جناح‌های رقیب درون حاکمیت، به‌رسانه‌ها نیز درز پیدا می‌کنند.

برای نمونه، بنا به اسناد تازه افشاء‌شده از سوی دستگاه اطلاعاتی باندهای حاکم، که شامل فیش‌های حقوقی شماری از مدیران ارشد دولت شیخ حسن روحانی شده، مدیران شرکت دولتی بیمه مرکزی و بانک‌های وابسته به دولت، به‌گونه رسمی مبالغی از ۸۰ تا ۲۳۴ میلیون تومان زیر عنوان حقوق و مزایا به‌جیب می‌زنند. همچنین فاش گردیده که رقم‌های گزاف مزبور، جدا از پول‌هایی است که مقامات حکومتی خارج از فیش حقوقی به‌جیب‌هایشان سرازیر می‌شود.

روزنامه کیهان تحت نظر مستقیم سیدعلی خامنه‌ای، هفته گذشته فیش حقوق ۲۳۴ میلیونی «صدقی» مدیر عامل بانک دولتی رفاه کارگران، فاش کرد. ج کهل‌بتر آن است در افشاگری کیهان، صدقی یکی از شرکای حسین فریدون، برادر شیخ حسن روحانی رئیس جمهوری و یک مقام بلندپایه دولت اوست. این دو، مالک و شریک در یک صرافی و نیز شرکت‌های تجاری دیگر هستند.

به‌این ترتیب، برای نخستین‌بار نام «دستیار ویژه رئیس جمهور» در معاملات ارزی به‌میان آمده است. با این حال، گمان نمی‌رود پهنه فعالیت صرافی «صدقی و شرکا» فقط فروش ارز رسمی در بازار سیاه بوده باشد. با توجه به‌راه‌اندازی یک شرکت صادرات و واردات به‌موازات صرافی، نشان می‌دهد که حوزه اصلی کار صرافی فریدون، در راستای «دور زدن تحریم‌ها» قرار داشته است.

در این گزارش کیهان، فاش شده که صدقی در مهرماه ۱۳۹۴، ۱۵۱ میلیون تومان و در اسفند همین سال ۲۳۴ میلیون تومان حقوق و مزایا به‌خود پرداخت کرده است. این رقم‌ها از جمله زیر ردیف‌های دیگر مانند «تفاوت مأموریت» یا «انتقالی کشیک» و جز آن حساب‌سازی شده است.

صندوقی که صدقی و دوستانش در بانک رفاه کارگران به‌طور ماهانه غارت می‌کنند، در اصل با پرداختی‌های کارگران تامین شده است. این پرسش که حاکمان کشور و بالا دستی‌ها از «رفاه» و «تامین» کارگران چه برداشتی دارند را پیش‌تر سعید مرتضوی، رئیس پیشین سازمان تامین اجتماعی و قاضی محبوب خامنه‌ای، به‌اختلاس هزار میلیارد تومانی، کلاهبرداری و جابه‌جائی میلیاردها تومان و حراج و تقسیم اموال و دارائی‌های تامین اجتماعی و هدیه‌دادن به‌بسیاری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و... اقرار کرده است.

اگر این غارت وسیع و همه‌جانبه و مداوم ثروت‌های عمومی جامعه توسط سران و مقامات و ارگان‌های سرکوب و کشتار حکومت اسلامی را در کنار تعیین دستمزدهای ناچیز ۸۰۰ هزار تومانی به‌حدود ۱۱ میلیون کارگر کشور، که با خانواده‌هایشان بیش از ۴۰ میلیون نفر می‌شوند و همین دستمزدهای ناچیز نیز به‌موقع پرداخت نمی‌گردد قرار دهیم به‌سادگی به‌این نتیجه می‌رسیم که یک عامل اصلی و مهم روانه‌کردن کودکان به‌بازارهای بی‌رحم و خشن و ویرانگر کار و خیابان است.

به عقیده برخی روانشناسان، کودکان کار، ضریب هوشی بالایی دارند و در صورت دستیابی به حداقل امکانات خدماتی و آموزشی، می‌توانند به مدارج بالای تحصیلی و شغلی دست یابند؛ بنابراین نباید اجازه داد که برخی سازمان‌های سرمایه‌داری و حکومت‌های مسبّد، نگاه مجرمیت به این پدیده و تصور «بزه‌کار» بودن این کودکان فاصله داشت بشناسند. نباید اجازه داد که سیستم سرمایه‌داری از دیدگاه منافع طبقاتی خودش، موجودیت و اجبار این کودکان به‌کار را نهادینه کند و به‌جامعه بشری بقبولاند. در مقابل چنین سیاست غیرانسانی و کودک‌آزار، ضروری‌ست که جنبش‌های اجتماعی و در پیشاپیش همه جنبش کارگری، با مبارزه پیگیر و مداوم خود، سرمایه‌داران و حکومت‌های حامی سرمایه را از جمله در عرصه کار کودک، به‌عقب‌نشینی وادار سازند تا در جهت تغییر وضعیت زندگی موجود این کودکان، شرایطی ایجاد کنند که آن‌ها بتوانند در محیطی سالم و طبیعی زندگی کرده و هم‌زمان نیز به‌ادامه تحصیل بپردازند.

بی‌تردید رهایی نهائی کودکان از اسارت و استثمار سرمایه‌داران و باندهای مافیائی، مستقیماً با مبارزه بی‌امان جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های حق‌طلب و برابری‌طلب علیه سیستم سرمایه‌داری با هدف تغییر نظم موجود به‌نفع همه ستم‌دیدگان، محرومان و استثمارشدگان جوامع بشری گره خورده است.

لغو کار کودک را نباید به‌تحولات آینده و تاریخ زمانی و واقعه‌ای پیوند زد در نتیجه باید با صدای بلند فریاد بزنیم: لغو کار کودک همین امروز!

یکشنبه بیست و سوم خرداد [جوزا] ۱۳۹۵ - دوازدهم جون ۲۰۱۶